

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

ا.م. شیرینی
۰۶ مارچ ۲۰۱۸

آقای خامنه‌ای شما مسؤل هستید

به گزارش رسانه‌های جمعی به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر رهبری، آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار روز ۲۹ بهمن [دلو] ۱۳۹۶ با مردم تبریز به مناسب قیام ۲۹ بهمن سال ۱۳۵۶ در این شهر، در بخشی از سخنانشان با اشاره به نامگذاری دهه سوم انقلاب به نام "دهه پیشرفت و عدالت" اظهار داشتند: "پیشرفت در عرصه‌های مختلف به معنای واقعی کلمه اتفاق افتاده، اما در زمینه "عدالت" اقرار می‌کنیم که عقب مانده‌ایم. در زمینه عدالت باید کار کنیم و باید از مردم و خدا عذرخواهی کنیم..."

آیت‌الله خامنه‌ای در این بخش از سخنانشان اذعان می‌کنند که جمهوری اسلامی در زمینه عدالت کارنامه منفی داشته است. اما بهتر بود ایشان تصریح می‌کردند که پیشرفت چنانچه با عدالت هماهنگ نباشد، در بهترین حالت همان پیشرفت سرمایه‌داری است که جهان را به سوی جنگ‌های فلاکت‌بار و نابودی سوق داده است. اگر چه آیت‌الله خامنه‌ای به هیچ کدام از عرصه‌های مختلفی که در آن‌ها پیشرفت اتفاق افتاده، اشاره نکردند، اما با یک نگاه اجمالی به کارنامه چهل ساله جمهوری اسلامی ایران، برآحتی می‌توان مشخص کرد که در کدام عرصه‌ها پیشرفت اتفاق افتاده، در کدام در عرصه‌ها نه.

عمر جمهوری اسلامی ایران منهای پنج سال اول مصادف بوده با تسلط شیوه لیبرالی سرمایه‌داری بر نظام اجتماعی - اقتصادی جهان، یعنی بعد از آغاز دوره نابودی بلوک سوسیالیستی در اثر خیانت داروسنه گوربچف - یاکولیف - یلتسین از داخل و امپریالیسم و ارتجاع جهانی از خارج. در چنین شرایطی، صحبت از هر گونه پیشرفت در عرصه‌های مختلف نه فقط در ایران، بلکه در سراسر جهان سرمایه‌داری بیش از یک شوخی، به وهم و خیال شباهت دارد. نظام اجتماعی - اقتصادی امروز جهان تحت سیطره سه اهرم فشار امپریالیسم جهانی - بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی و مجموعاً در زیر سلطه کامل دالر کاغذی قرار دارد و متأسفانه، ایران نیز به علت همپوندی با این شیوه سرمایه‌داری و به مثابه یکی از حلقه‌های به نسبت ضعیف و حاشیئی جهان سرمایه‌داری، همچنین، با وجود اعمال تحریم‌های ظالمانه امپریالیستی علیه آن، تافته جدا بافته از این نظم مسلط بر جهان نیست.

لیبرالیسم سرمایه‌داری علی‌رغم ظاهر فریبنده و لفاظی‌های ریاکارانه آن، به مراتب خطرناکتر، تبه‌کارتر و خشن‌تر از شیوه فاشیستی سرمایه‌داری است. اگر فاشیسم در شکل و هیبت خشن، مسلح و مهاجم به کشتار دهها میلیونی انسانها، ویرانی کشورها و غارت دارائی‌های عمومی مبادرت می‌کرد، لیبرالیسم خلاف آن، به طرق عوامفریبانه و ریاکارانه

تحت عناوین مزورانه خصوصی‌سازی؛ بازار آزاد؛ دولت کارفرمای خوبی نیست؛ اصلاحات؛ دموکراسی و بشردوستی به کشتار خاموش، اما میلیاردي نوع بشر، ویرانی سراسری جهان و غارت ثروت و دارایی عمومی بشریت مشغول است. لیبرالیسم سرمایه‌داری اساس هستی در روی سیاره زمین را مورد تهدید قرار داده است.

پس از تسلط شیوه لیبرالی بر جهان سرمایه‌داری در اوایل دهه هشتاد میلادی فقر و فاقه، بی‌کاری، بی‌خانمانی و محرومیت عمومی بشریت جهان به طور فزاینده رشد می‌یابد. لیبرالیسم کار را بدانجا رسانده که بر اساس اسناد و آمارهای منتشره، دارایی ۸ نفر سارق غیرمسلح (لیبرال) برابر است با دار و ندار سه و نیم میلیارد نفر انسان، یعنی نیمی از جمعیت جهان. البته، آن نیم دیگر جمعیت جهان نیز به همین ترتیب، منتها با کمی تفاوت، مثلاً، توسط ۱۰-۱۵ سارق به غارت رفته است. به این ترتیب، لیبرالیسم زمینه کشتار خاموش و تدریجی میلیاردها انسان را فراهم ساخت. در مجموع، لیبرالیسم سرمایه‌داری روباهی است بسیار مخوفتر و درنده‌تر از گرگ‌ها سرمایه‌داری فاشیسم!

لیبرال‌های ایران نیز به مثابه جزء جدائی‌ناپذیر جهان سرمایه‌داری در دوره حاکمیت جمهوری اسلامی مانند هر کشور دیگر جهان، با پنهان کردن چهره خود در پشت عبارت‌پردازیهای پوچ، تحت عناوین، کوچک کردن دولت، دولت باید مدیریت کند، خصوصی‌سازی ثروت‌ها و دارایی‌های ملی کشور، اصلاحات، دموکراسی و غیره دستاوردهای متفاوت با سایر کشورهای جهان سرمایه داری نداشته است. طی دوره مورد نظر آیت‌الله خامنه‌ای، به علت دست بالای این شیوه در قوه مجریه، قضائیه و مقننه (به جز بازه زمانی سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ که قوه مجریه -دولت محمود احمدی‌نژاد- از زیر تأثیر آن تا حدود زیادی خارج شد)، فاصله طبقاتی در جامعه ایران نیز مانند سایر کشورهای جهان سرمایه‌داری هر چه بیشتر و بیشتر شده، تعداد صاحبان ثروت‌های کلان هر چه کمتر و کمتر و شمار جمعیت رانده‌شده به دامن فقر و محرومیت هر روز بیش از روز پیش روند افزایش پیموده است. آمارهایی که در مورد توسعه اقتصادی، رشد تولید ناخالص ملی و افزایش درآمد سرانه از سوی نهادهای ذیربط چه در ایران و چه در سایر کشورهای جهان سرمایه‌داری منتشر می‌شود، عموماً یکسری ارقام غیرواقعی برای فریب اذهان عمومی هستند و حتی به فرض قبول درستی، آنها کمترین ربطی به درآمد ملی کشورها، ارتقاء سطح رفاه اجتماعی و بهبودی شرایط معیشتی اکثریت قریب به اتفاق جمعیت آنها و توزیع عادلانه ثروت‌های ملی ندارند.

مزید بر این‌ها، اعتراضات متمدنی کارگران به عدم پرداخت حقوق ماهانه، ضرب‌وشتم و زندانی کردن کارگران و زحمتکشان معترض، بی‌کارسازی‌های گسترده، رشد روزافزون شمار فقرا، گرسنگان، بی‌پناهان و همچنین وخامت اوضاع معیشتی اکثریت آحاد جامعه و به تبع آن، افزایش رو به تزاید کارتن خوابی و گورخوابی در کشور در یک سو و در سوی دیگر، تشدید دزدی‌ها، اختلاس‌ها و رانت‌خواری‌های بی‌سابقه توسط مقامات رسمی، پرداخت حقوق‌ها و پاداش‌های نجومی به مقامات کشور جانی برای ادعای پیشرفت در زمینه اقتصادی -اجتماعی باقی نمی‌گذارد. با این وصف، صحبت از پیشرفت در عرصه‌های مختلف نه تنها در ایران، بلکه، در سراسر جهان سرمایه‌داری نه فقط دور از واقعیت، بلکه، افسانه نیز هست.

البته، از حق نباید گذشته که ایران در برخی زمینه‌ها، از جمله، در عرصه‌های صنایع دفاعی، حراست از استقلال سیاسی و تمامیت ارضی کشور، مقابله با مداخلات پیدا و پنهان امپریالیسم جهانی به سردمداری امپراتوری امریکا در منطقه و در داخل کشور عملکرد خوبی از خود نشان داده و به موفقیت‌های مهمی نیز دست یافته است.

پیشرفت کشور در اغلب عرصه‌های علمی، فن‌آوری -صنعتی، به خصوص، در عرصه بهره‌مندی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای نیز بسیار قابل توجه بود. اما، پیشرفت در این عرصه نیز در اثر فشارهای کمرشکن غرب، به ویژه، امپریالیسم امریکا که به امضای معاهده بین‌المللی موسوم به برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) در تیر ماه [سرطان]

۱۳۹۴ انجامید، تا حدود قابل ملاحظه‌ای محدود گردید. داستان تهوع‌آور در ارتباط با امضای برجام این است که دولت لیبرال‌های ایران امضای برجام را به عنوان زمینه‌ساز لغو تحریمهای ظالمانه‌ی امپریالیستی و سرازیر شدن سرمایه‌های خارجی به کشور جشن گرفت و دستداران توسعه‌ی روابط با غرب را در خیابانها به رقص و پایکوبی واداشت. اما، مدت زیادی نگذشت که همه‌ی وعده‌ها، امید و آرزوهای لیبرال‌ها واهی از آب در آمد.

سیاست‌های اقتصادی و خارجی دولت لیبرال‌های ایران نیز بنا به همان خصلت و ماهیت سرمایه‌دارانه‌ی آنها همواره به برقراری روابط و مناسبات هر چه گسترده و تنگاتنگ با رژیم‌های کشورهای امپریالیستی غرب و همکاری و هماهنگی با آنها معطوف بوده و اساساً تمایلی به تغییر آن نداشته است. تنها در یک دوره‌ی کوتاه (از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲) ایران به اقداماتی در راستای گسترش و توسعه‌ی روابط و مناسبات سیاسی-اقتصادی با کشورهای انقلابی و رهاشده از اسارت امپریالیسم در امریکای لاتین مانند کوبا، ونزولا، نیگاراگوئه، بولیوی، و همچنین، با سازمان همکاری شانگهای، کشورهای گروه بریکس دست زد و به موفقیت‌هایی نیز نائل شد. اما همین روند بلافاصله با همه‌های سنگین تبلیغاتی و تشدید تحریمها و فشارهای مضاعف امپریالیسم جهانی و هموایان و همپیمانان داخلی آن، اعم از غرب‌گرایان، لیبرال‌ها، سلطنت‌طلبان و سایر متحدان مواجه گردید. وقوع انقلاب رنگی "سبز" در اواخر بهار سال ۱۳۸۸ یکی از برجسته‌ترین نمادهای عینی مخالفان همگرائی ایران با کشورهای انقلابی و مستقل جهان بود. اگر چه "انقلاب سبز" در همان مقطع نافرجام ماند، اما هواداران انقلاب رنگی نه تنها از پای ننشستند، حتی، به شدت تلاشهای خود برای تکرار "انقلاب" تا آنجا افزودند که توانستند رنگ انقلاب خود را به "بنفش" متحول نموده و به پشتوانه‌ی مهندسی شورای نگهبان قانون اساسی پیروان تفکر همگرائی با کشورهای آزاد و مستقل را از صحنه انتخابات ریاست جمهوری در سالهای ۱۳۹۲ و ۱۳۹۴ به طور کامل حذف نموده، راه به قدرت رسیدن "بنفش‌ها" (لیبرال‌های تدبیر و امید) در کشور را کاملاً هموار سازند.

پس از به قدرت رسیدن لیبرال‌های "بنفش" روند توسعه‌ی روابط با کشورهای انقلابی و مستقل متوقف گردید. به گونه‌ای که ایران هم اکنون در مسیر گسترش، تحکیم و تقویت روابط و مناسبات همه جانبه با کشورهای غربی، به ویژه با رویاه پیر انگلیس، فرانسه و المان در نقش نمایندگان تام‌الاختیار "شیطان بزرگ" گام‌های بلندی برمی‌دارد و مهمترین دغدغه‌ی آن خرید بونینگ و ایرباس است.

سیاست داخلی جمهوری اسلامی ایران، به ویژه، لیبرال‌ها در زمینه‌ی اجتماعی-سیاسی از همان ابتداء به شدت خشن و خودسرانه بوده و هست. این سیاست همواره معطوف بوده بر سرکوب و اعمال فشار بر اقشار و لایه‌های آسیب‌پذیر جامعه؛ عدم پایبندی به قانون و مقررات؛ امنیتی کردن جامعه؛ انکار و نفی حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی؛ اعمال فشار مضاعف بر زنان-نیمی از جمعیت کشور با تحمیل حجاب اجباری؛ قلع و قمع نه تنها تمامی جریان‌های سیاسی مخالف، دگراندیش، حتی منتقد؛ ممنوعیت مطلق فعالیت تمامی احزاب، سازمان‌ها و گروه‌های غیرخودی.

با این اوصاف، به دلیل دست برتر لیبرال‌ها در بخش عمده‌ی دوره‌ی موجودیت جمهوری اسلامی ایران در سه قوه (مقننه، مجریه) تقریباً در عرصه‌های عدالت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پیشرفت چشمگیری که در خدمت ارتقاء سطح زندگی اقشار و لایه‌های پائینی جامعه باشد، اتفاق نیفتاده است.

حالا ببینیم اوضاع به طور مشخص در زمینه‌ی عدالت که آیت‌الله خامنه‌ای به عقب‌ماندگی در این عرصه معترف بوده و بر ضرورت کار در همین زمینه و "عذرخواهی از مردم و خدا" تأکید می‌کنند، از چه قرار است.

بر کمتر کسی پوشیده است، که حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بلافاصله پس از استقرار در مسند سیاسی کشور، بر اساس جهان‌بینی و ایدئولوژی خود یکسری اصطلاحات و ادبیات حقوقی، جزائی و اتهامی را از درون گورستان تاریخ

باستان اعراب بیرون کشید و از آنها شمشیری ساخت برای به خاک و خون کشیدن فرزندان ایران زمین و اجرای عدالت و قضاوت را بر همین محورها استوار ساخت. مفسد فی الارض، محارب، یاغی، باغی، طاغی، تعزیر، قصاص، دیه و ... از آن جمله‌اند.

برای قطع عضو "محکومان" گیوتن را باز تولید نمود؛ تازیانه را بازسازی کرد؛ برای اعدام فرزندان میهن در انظار عمومی از ماشین آلات صنعتی، از جمله، از جرثقیل بهره گرفت؛ والدین را به تأیید اعدام فرزند تشویق نمود؛ موج شنیع تواب‌سازی از اسیران در بند در زیر شکنجه‌های فوق تصور بشری به راه انداخت؛ شخصیت‌های بزرگ تاریخی - انقلابی ایران را که سال‌های طولانی از عمر عزیز خود را در زندان رژیم دست‌نشانده شاه سپری کرده بودند، به "اظهار ندامت و اقرار" به کارناکرده وادار نمود؛ نوابغ علمی، انقلابی، هنری کشور را، فلاسفه، دانشمندان، نویسندگان، ادبا و شعرا انقلابی و متعهد میهن را به دار آویخت (سعید سلطانیپور، تقی شهرام، ...). صادق‌ترین سرداران مدافع میهن (ناخدا بهرام افضلی، سرهنگ بیژن کبیری، سرهنگ هوشنگ عطاریان و بسیاری دیگر) را با توطئه انگلیس اعدام کرد؛ اغلب زندانیان رسته از اسارتگاه‌های رژیم وابسته سلطنتی را به جوخه‌های اعدام سپرد؛ "خاطیان" نظم اجتماعی اسلامی را به تخت تازیانه بست و بسیاری را در زیر ضربات شلاق به گور فرستاد (حداقل دو نفر از مقتولین در زیر ضربات شلاق را از نزدیک می‌شناختم که به "جرم" مشروب‌خواری در روی تخت شلاق کشته شدند - شاکر، استادکار نجار و علی پاک‌طینت مدیر مدرسه). شبکه گسترده گورستان‌های خاوران را ایجاد کرد ... و چه بسیار مادران و پدران میهن را به ماتم فرزندانش نشانند.

از اعدام‌های بدون محاکمه خلخال‌وار و یا محاکمات ۵ - ۱۰ دقیقه‌ای در بی‌دادگاه‌های شرعی فرزندان ایران و صدور احکام قتل برای اسیران و اجرای سریع آنها تا کشتارهای هولناک اسیران زندانی در سالهای ۶۰، به ویژه، کشتار جمعی زندانیان سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷، ارتکاب قتل‌های زنجیره‌ای و ترور انقلابیون و مخالفان (از جمله، رهبران شوراهای ترکمن صحرا - مختوم، توماج، جرجانی، واحدی، رهبران خلق کرد - عبدالرحمان قاسملو، شرف‌کندی و بسیاری دیگر مانند فروهرها، مختاری‌ها، پوینده‌ها) یا خانواده آنها در داخل و خارج کشور که امروز نیز به همان سیاق دیروز، اما با کمی تعدیل ادامه دارد، نماد عدالت و آئینه تمام‌نمای "قضاوت" در جمهوری اسلامی ایران است.

با توصیفات کلی و فهرست‌وار فوق و با اطمینان به نقائص فهرست بی‌عدالتی‌ها و بدون احساس ضرورت به برشماری جزئیات آنها، باید به آیت‌الله خامنه‌ای یادآور شد که حکومت جمهوری اسلامی ایران در زمینه عدالت نه این که "عقب‌مانده"، بلکه، از همان آغاز وجود به دوره تجر بازگشت، مسیر قهقرائی در پیش گرفت.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای! شما در مقام رهبر دینی - سیاسی کشور مسئول هستید و حتما متوجه هستید که عنبرخواهی شما در پیشگاه مردم ایران شاید زمانی پذیرفته شود که با استفاده از اختیارات خود حکم حکومتی صادر نموده، فرمان انجام اقدامات ذیل را امضاء نمائید:

- الغاء کلیه قوانین کیفری، جزائی و حقوقی عصر باستانی؛
- لغو مجازات اعدام؛
- دستور تشکیل مجلس تخصصی متشکل از حقوقدانان، وکلاء و کارشناسان امور حقوقی و قضائی به منظور تنظیم و تدوین قوانین حقوقی، اجتماعی، کیفری، جزائی و جنحه‌ای معاصر کشور؛
- عزل بی‌درنگ رئیس انتصابی قوه قضائیه و کلیه مرئوسان او و تشکیل پرونده برای رسیدگی به جرایم آنها؛
- آزادی بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی - عقیدتی؛

- آزادی فعالیت سیاسی احزاب و سازمان‌های ملی، مترقی و دگراندیش؛

- آزادی انتخاب حجاب برای نیمی از جمعیت کشور - زنان؛

- اعاده حیثیت از کلیه قربانیان مظالم چهل ساله قوه قضائیه؛

- نقد صریح بی‌عدالتی‌های گسترده چهل سال گذشته .

آقای خامنه‌ای! ضمناً، شما با اجرای پیشنهادات فوق می‌توانید بسیاری از مجاری مداخلات امپریالیست‌های "بشردوست" در کشور را به طور کلی مسدود سازید. در غیر این صورت، نمی‌توانید از زیر بار مسؤلیت تاریخی خود شانه خالی کنید .

حضرت آیت‌الله! از این واقعیت مسلم که خلق‌های ایران فجایع تجزیه اتحاد شوروی، چکسلاواکی، اتیوپی، یوگسلاوی، سودان و ... به دست امپریالیسم و ارتجاع جهانی و همچنین، فجایع فلاکت‌بار مداخلات، اشغالگری‌ها و جنگ‌های امپریالیستی - استعماری جهان غرب به سرمداری امپراتوری فاشیستی آمریکا در افغانستان، عراق، لیبیا، سوریه، یمن و بسیاری از کشورهای دیگر را مدنظر قرار داده، "صدها" تلخ‌کامی (فشارهای کمرشکن اجتماعی - اقتصادی - معیشتی) ناشی از سیاست‌های غلط و نسنجیده جمهوری اسلامی ایران را به خاطر یک شیرینی (مقابله آن با طرح‌های سلطه‌جویانه و تجزیه‌طلبانه امپریالیستی در کشور) تحمل می‌کنند، امر بر شما و سایر مقامات نظام مشتبه نشود. حافظه تاریخی مردم ایران را کور مپندارید! فراموش نکنید، که رژیم مزدور سابق و شاه آن نه تنها مشکلی با اسلام نداشت، بلکه خود را "کمر بسته" امام رضا هم می‌دانست.

ا. م. شیری

۱۳۹۶/۱۲/۱۴